فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیستم. بهار ۱۳۹۷، صص۴۳-۲۹ Vol 2. No 20. 2018, p 29-43
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

نتایج قاعده‌ی مطالبه در حقوق ایران و فرانسه

کبری هیبتی[۱]. قوام کریمی[۲]
۱. دانشجو دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج. ایران
۲. گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج. ایران

چکیده
رویدادهای جامعه ی بشری صرف نظر از این که واقعه ی حقوقی محسوب شوند مانند تولد و مرگ یا عمل حقوقی، خواه عقد باشند مانند قرض، بیع، جعاله و. . . و یا ایقاع باشند مثل طلاق، آثاری دارند که به محض انجامشان بر آن‌ها بار می‌شود نظیر آثار یا تعهداتی که به محض وقوع عقد بیع نسبت به طرفین ایجاد می‌شود و انجام ندادنشان، باعث به وجود آمدن مسئولیت قراردادی و با محرز شدن شرایطی باعث به وجود آمدن مسئولیت قهری می‌شود. مطالبه اگر چه جزء اعمال یا وقایع حقوقی نیست ولی نهادی حقوقی است که مطابق قانون در مواردی لازم و ضروری است. این نهاد حقوقی هم مثل بقیه ی نهادهای حقوقی آثاری دارد که در این تحقیق به آن‌ها خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: مطالبه، ایران، فرانسه، وقایع حقوقی، تعهدات

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

طرح مساله

در حقوق فرانسه برای مطالبه آثاری در نظر گرفته شده است که معمولاً به مسئولیت مدنی ارتباط دارد. اولین و مهمترین اثر مطالبه این است که مطالبه به عنوان یکی از شرایط تحقق مسئولیت مدنی قراردادی در نظر گرفته شده است.

انتقال ریسک از دیگر آثار مطالبه است که تحلیل آنها نشان می‌دهد آثار مزبور در حقوق ایران نیز قابل طرح است. همچنین نگاهی به منابع موجود در سیستم حقوقی ایران نیز نشان دهنده آثار دیگری برای مطالبه است که ممکن است به ید ضمانی و امانی مربوط باشد که در قسمت های بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اول: تحقق مسئولیت مدنی قراردادی

نخستین شرط مسئولیت قراردادی، وجود پیمانی نافذ و الزام آور میان زیان دیده و خوانده دعوا است. بطلان عقد یا فسخ آن بنیان مسئولیت را از بین می برد، چرا که خوانده بایستی از اجرای تعهد امتناع کرده باشد (کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، ص ۱۳۶). با مطالبه از طرف متعهدله و عدم انجام تعهد، استنکاف و امتناع متعهد از وفای به عهد احراز می‌شود. به عبارتی در این موارد با مطالبه، متعهد در حالت تأخیر قرار می‌گیرد و تاخیر یعنی نقض تعهد و نقض تعهد، خود تقصیر است.

متعهدله بدون نیاز به اثبات تقصیر، می‌تواند با اثبات ضرر و رابطه سببیت بین ضرر و عهدشکنی خسارت خود را دریافت کند. در حقوق بعضی از کشورها در هر حال برای تحقق مسئولیت، مطالبه ضروری است.

در برخی از رژیم‌های حقوقی، تعدی صورت گرفته و اگر تعهد دارای زمان معینی باشد به مجرد انقضاء مدت انجام تعهد، بدون نیاز به مطالبه، عهدشکنی مدیون ثابت می‌گردد (سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسبط، ج ۲، ص ۸۳۱. ش ۴۶۴).

به نظر می‌رسد در حقوق ایران ماده ۲۲۶ ق. م. از حقوق کشورهای اخیر پیروی کرده که در مواردی که زمان انجام تعهد معین است صرف انقضاء اجل برای تحقق مسئولیت مدنی قراردادی کافی است بدون اینکه نیاز به مطالبه باشد اما در مواقعی که اختیار موقع انجام تعهد یا متعهدله است با مطالبه متعهدله مدیون در حالت تاخیر قرار می‌گیرد و خسارات ناشی از این تاخیر قابل مطالبه بوده و مدیون باید خسارت ناشی از تاخیر در ایفا تعهد را بپردازد.

از نظر تحلیلی به نظر می‌رسد اصولاً در تعهدات به نتیجه مسئولیت مدنی قراردادی از یک تاخیر آغاز می‌شود. گرچه ما به تبع از نویسندگان فرانسوی مسئولیت مدنی قراردادی را به دو قسم عمده تقسیم نموده و آن را شامل مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عدم انجام تعهد و مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از تاخیر در انجام تعهد دانستیم اما به نظر می‌رسد در هر دو عدم رعایت زمان انجام تعهد و به عبارتی تاخیر در انجام تعهد است که سبب تحقق مسئولیت می‌شود. مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عدم انجام تعهد مربوط به

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

موردی است که زمان انجام تعهد و خود وفای به عهد مطلوب واحدی بوده و به عبارتی وحدت مطلوب وجود دارد. در این موارد اگر متعهد در زمان مقرر به عهد خود وفا نکند دیگر امکان انجام تعهد وجود نداشته و متعهد له فقط می‌تواند خسارت خویش را مطالبه کند که به آن مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عدم انجام تعهد گفته می‌شود. در حقوق فرانسه در این موارد نیاز به مطالبه هست اما در حقوق ایران نیازی به مطالبه نمی‌باشد زیرا انقضاء زمان نشان می‌دهد که متعهد در حالت تاخیر یا استنکاف از وفای به عهد قرار گرفته و متعهدله می‌تواند خسارت خویش را مطالبه کند زیرا تاخیر خود نشانه نقض تعهد بوده و نقض تعهد خود تقصیر است و نیاز به اثبات تقصیر به طور جداگانه نمی‌باشد. به عبارت دیگر، درمواردی که موعد قید تعهد است، گذشتن موعد همانند عدم انجام تعهد است. در نتیجه، خسارت تاخیر در عدم انجام تعهد ادغام می شود و طلبکار می تواند به دلیل سپری شدن موعد از مدیون خسارت عدم انجام تعهد بگیرد (**Chitty. Contracts. v1. p139**).

مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از تاخیر نیز زمانی رخ می‌دهد که زمان انجام تعهد و خود وفای به عهد دو مطلوب متعدد بوده و تعدد مطلوب وجود دارد که در این موارد نیز اگر زمان انجام تعهد معین باشد انقضا زمان دلیل بر نقض تعهد است و نقض تعهد خود تقصیر بوده و متعهدله بدون نیاز به اثبات تقصیر باید بتواند خسارت ناشی از تاخیر در انجام تعهد را مطالبه کند اما اگر زمان انجام تعهد معین نبوده و تعیین زمان انجام با متعهدله باشد وی باید متعهد را در حالت تاخیر یا استنکاف از انجام تعهد قرار دهد. به عبارتی باید نقض تعهد وی را ثابت کند و این امر با مطالبه ممکن است به همین دلیل در مواردی مطالبه یکی از شرایط تحقق مسئولیت مدنی قراردادی می‌باشد.

دوم: تحقق اجره المثل

در مواردی مطالبه، زمینه‌ساز تحمیل اجره المثل بر متعهد می‌شود. در مواردی که شخصی، متعهد به استرداد مالی است که در تملک متعهدله می‌باشد، با انقضاء اجل و همراه با «مطالبه متعهدله و امکان رد و استنکاف متعهد، وی ملزم به پرداخت اجره المثل می‌شود». ماده ۴۹۴ ق. م. مصداقی از این حکم است که مقرر می‌دارد «عقد اجاره به محض انقضاء مدت برطرف می‌شود و اگر پس از انقضاء آن مستاجر عین مستاجره را بدون اذن مالک مدتی در تصرف خود نگاه دارد موجر برای مدت مزبور مستحق اجره المثل خواهد بود، اگرچه استیفاء منفعت نکرده باشد و اگر با اجازه مالک در تصرف نگاه دارد وقتی باید اجره المثل بدهد که استیفاء منفعت کرده باشد مگر اینکه مالک اجازه داده باشد که مجاناً استفاده نماید. » ماده مزبور از این ابهام رنج می‌برد که اصطلاح «برطرف می‌شود» بسیار مبهم است.

علیرغم ظاهر ماده به نظر می‌رسد عقد منحل نمی‌گردد و منفسخ هم نمی‌گردد. عقد در عالم اعتبار موجود است. در این مورد درج قید زمان به «عقد» مربوط است نه «تعهد»، زیرا تفاوت وجود دارد که زمان به عقد مرتبط باشد یا تعهد چون اگر زمان به تعهد راجع باشد، تعهد را «موجل» می‌نماید اما اگر زمان به عقد

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

مربوط باشد، عقد را «موقت» می‌نماید. در این صورت باید این گونه تفسیر نمود که درج زمان در اجاره، عقد را موقت می‌کند و منظور این است که قبل از زمان مزبور بین طرفین قراردادی وجود نداشته و بعد از زمان هم عقودی بین طرفین نبوده و دیگر رابطه قراردادی بین آنها نیست. تلف هر دو عوض نیز مانع از اقاله یا فسخ و یا انفساخ نیست. ماده ۲۴۶ ق. م. نیز مقرر می‌دارد: در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد شرطی که در ضمن آن شده است باطل می‌شود و اگر کسی که ملزم به انجام شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد می تواند عوض او را از مشروط له بگیرد به عنوان مثال اگر در فاصله اول فروردین تا اول مهر ماه سال ۱۳۷۰ بین دو شخص عقد اجاره شش ماهه‌ای باشد و مبلغ اجاره بها ماهیانه صد میلیون ریال تعیین شده باشد که در تاریخ پانزدهم هر ماه پرداخت گردد می‌توان گفت که مهلت شش ماهه به عقد و مهلت پانزدهم به تعهد مربوط می‌گردد. در این قرارداد اگر مستاجر در پانزدهم هر ماه اجاره بهای شش ماه را پرداخته و با اتمام مهرماه مورد اجاره را به مالک آن مسترد دارد تعهدات ناشی از عقد از طریق وفای به عهد ساقط شده است و با انقضاء اجل شش ماهه عقد برطرف شده و دیگر بین آنها رابطه قراردادی وجود ندارد اما قرارداد شش ماه آنها در عالم اعتبار باقی می‌ماند زیرا تعهدات عقد از طریق وفای به عهد ساقط شده اما سقوط تعهدات با زوال قرارداد متفاوت است. چنانچه طبق ماده ۲۶۴ ق م تعهدات از طرق وفای به عهد یا ابرا یا مالکیت ما فی الذمه یا تهاتر یا تبدیل تعهد ساقط می‌گردد اما قراردادها طبق ماده ۲۱۹ ق. م. از طریق اقاله یا فسخ یا انفساخ از بین می‌روند. در نتیجه گذر زمان دلیل بر زوال قرارداد لازم در عالم اعتبار نبوده و در مثال فوق اگر بعد از بیست سال یعنی در سال ۱۳۹۴ طرفین اطلاع بر غین پیدا کنند اشکالی ندارد که مغبون عقد اجاره را فسخ کند. در این صورت اجاره بها که معادل شش صد میلیون ریال است به مستاجر برگردانده شده و مستاجر موظف است که اجرت زمان تصرف خود را که ممکن است کمتر یا بیشتر از مبلغ مزبور باشد به موجر بپردازد.

اکنون به راحتی می‌توان تحلیل نمود که اقاله بیشتر سبب زوال قرارداد است نه سبب سقوط تعهد. بدیهی است که اگر تعهدات قراردادی از طریقی ساقط نشده باشد اقاله عقد سبب زوال قرارداد بوده و به تبع از زوال قرارداد تعهدات هم ساقط می‌گردند اما اگر تعهدات قرارداد قبلاً ساقط شده باشد اقاله سبب سقوط تعهد نیست زیرا تعهدات قبلاً به طریقی ساقط شده و در این فرض بعید نیست گفته شود اقاله سبب ایجاد تعهدات است نه سبب سقوط تعهدات. به عنوان مثال اگر در عقد اجاره فوق الذکر طرفین قرارداد را در همان ابتدای فروردین ماه اقاله یا فسخ می‌کردند تعهد موجر به تحویل عین مستاجره و تعهد مستاجر به پرداخت اجاره بها ساقط می شد. اما اگر هر کدام به تعهدات خود عمل کنند و طبق مثال در سال ۱۳۹۴ دریابند که در سال ۱۳۷۰ یکی از طرفین مغبون شده است، با فسخ یا اقاله عقد در سال ۱۳۹۴ فسخ یا اقاله سبب سقوط تعهدات نیست.

در سال ۱۳۷۰ تعهدات طرفین از راه وفای به عهد ساقط شده است. در این فرض این اقاله یا فسخ، منبع تعهد است. زیرا موجر متعهد می‌شود تا اجاره بهای مقرر در قرارداد را به مستاجر بازگرداند و مستاجر نیز

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

تعهد پیدا می‌کند تا اجره المثل مدت استفاده شش ماه در سال ۱۳۷۰ را به موجر بپردازد. به همین دلیل ذکر اقاله درماده ۲۶۴ ق. م مناسب به نظر نمی‌رسد.

ماده ۲۶۴ ق. م مقرر می‌دارد: «تعهدات به یکی از طرق ذیل ساقط می‌شود:

ـ به وسیله وفاء به عهد

ـ به وسیله اقاله

ـ به وسیله ابراء

ـ به وسیله تبدیل تعهد

ـ به وسیله تهاتر

ـ به وسیله مالکیت ما فی الذمه.

گذشته از این که این ایراد وارد است که چرا فسخ و انفساخ در کنار اقاله ذکر نشده است، ایراد دیگر این است که اصلاً اقاله و فسخ و انفساخ مستقیماً سبب سقوط تعهد نیست و این نهادهای حقوقی سبب زوال قرارداد است و اگر هم تعهدی در این موارد ساقط می گردد به تبع از زوال قرارداد است.

به همین دلیل بهتر می‌بود قانونگذار در ماده قانونی جداگانه‌ای اقاله و فسخ و انفساخ را از اسباب زوال قراردادها معرفی می‌کرد نه از اسباب سقوط تعهدات.

در این جا ممکن است این سوال به ذهن رسد که در عقودی که زمان وجود دارد، آیا با گذر زمان نیاز به مطالبه هست یا نه؟

در پاسخ به این سوال باید گفت که همانگونه که گفته شد زمان اگر به «عقد» مربوط باشد، عقد را «موقت» و اگر به «تعهد» مربوط باشد، تعهد را «موجل» می‌نماید. در مثال فوق مدت شش ماهه به عقد و مدت پانزدهم هر ماه به تعهد مربوط است.

اگر زمان به عقد مربوط باشد، با گذر زمان عقد برطرف می‌شود. در این فرض ممکن است تعهدات باقی باشد یا نباشد.

به عنوان مثال اگر در قرارداد اجاره فوق، مستاجر در تاریخ پانزدهم هر ماه اجاره‌بها را به موجر داده باشد، با انقضاء شش ماه عقد برطرف شده و تعهدات نیز از طریق وفای به عهد ساقط شده است و اگر مستاجر این مبلغ را به موجر نداده باشد، پس از انقضاء شش ماه عقد برطرف شده، ولی تعهد مستاجر به پرداخت اجاره بها بر ذمه وی باقی است. بدیهی است که در این موارد شش ماه به عقد مربوط بوده و این مدت معین، مشمول ماده ۲۲۶ ق. م. نیست و به همین دلیل در اینجا ربطی به مطالبه یا عدم مطالبه پیدا نمی‌کند. اما در خصوص تعهدات مستاجر می‌توان زمان معینی را شرط کرد یا به اختیار متعهدله واگذار نمود که این زمان مربوط به تعهدات بوده و مشمول ماده ۲۲۶ ق. م. می‌شود مانند مثال فوق که تعهدات مستاجر باید در پانزدهم هر ماه انجام شود که طبق ماده ۲۲۶ ق. م. نیازی به مطالبه نبوده و با انقضا زمان یعنی با سر رسیدن پانزدهم هر ماه اگر مستاجر به عهد خود وفا نکند در حالت تاخیر قرار گرفته و باید خسارت موجر را از

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

باب مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از تاخیر بپردازد اما اگر در قرارداد برای تعهدات مستاجر زمانی معین نشده باشد و شرط شده باشد که زمان انجام تعهدات به دست متعهدله یعنی در مثال فوق موجر باشد و به عبارتی شرط شده باشد که هر گاه موجر مطالبه کرد مستاجر اجاره بها را بپردازد که در این فرض طبق ماده ۲۲۶ ق. م. مطالبه شرط است. در نتیجه از تفاوتهای زمان راجع به عقد و زمان راجع به تعهد این است که ماده ۲۲۶ ق. م. در فرضی کاربرد دارد که بحث بر سر زمان تعهد باشد نه زمان مربوط به عقد.

پس از مقدمات ضروری فوق باید به بحث اثر مطالبه در تحقق اجرت اشاره نماییم. از نظر تحقق اجرت در ماده ۴۹۴ ق م وضعیت قبل و بعد از مطالبه را باید از هم تفکیک نمود. قسمتی از ماده ۴۹۴ ق. م. مقرر می-داد: اگر پس از انقضا آن مستاجر عین مستاجره را بدون اذن مالک مدتی در تصرف خود نگاه دارد موجر برای مدت مزبور مستحق اجره المثل خواهد بود. زمانی مستاجر بدون اذن مالک مال را در اختیار دارد که متعهد له یعنی مالک استرداد عین را مطالبه کرده باشد و متعهد با این که امکان را وجود دارد از رد مال امتناع کند. در این مورد ید امانی مستاجر مبدل به ید ضمانی شده و به همین جهت اثر این مطالبه از سوی متعهدله این است که متعهد باید اجره المثل مال را بپردازد حتی اگر استیفا منفعت نکرده باشد. در این فرض مبنای تعهد وی به دادن اجره المثل ید ضمانی وی و مستند به بند ۱ ماده ۳۰۷ ق م یعنی غصب و آنچه در حکم غصب است می‌باشد یعنی مستاجر باید اجرت بپردازد خواه استیفا منفعت کرده باشد یا نکرده باشد. ماده ۳۰۷ ق. م. مقرر می‌دارد: امور ذیل موجب ضمان قهری است: ۱- غصب و آنچه که در حکم غصب است ۲- اتلاف ۳- نسیب ۴- استیفاء

قسمت دیگر ماده ۴۹۴ ق. م. مقرر می‌دارد: «اگر با اجازه مالک در تصرف نگاه دارد وقتی باید اجره المثل بدهد که استیفاء منفعت کرده باشد مگر اینکه مالک اجازه داده باشد که مجاناً استفاده نماید» در این موارد زمانی مستاجر مال را «با اجازه مالک» در اختیار دارد که مالک هنوز مال را «مطالبه نکرده باشد».

در این فرض ید مستاجر هنوز امانی است و فقط زمانی باید اجره بپردازد که از منافع استیفاء کرده باشدو مبنای این تعهد، «استیفا از مال غیر» می‌باشد نه «ید ضمانی» و به همین دلیل این تعهد متکی به بند ۴ ماده ۳۰۷ ق. م یعنی استیفاء خواهد بود که زمانی باید اجرت بپردازد که از مال استیفاء منفعت کرده باشد. این تفسیر از ماده ۴۹۴ ق. م موافق یا قواعد کلی امانات مندرج غیر از مستودع متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امین قرار داده باشد مثل مستودع است بنابراین مستاجر نسبت به عین مستاجره قیم یا ولی نسبت به مال صغیر یا مولی علیه و امثال آنها ضامن نمی‌باشد مگر در صورت تفریط یا تعدی ودر صورت استحقاق مالک به استرداد از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف با امکان رد، متصرف مسئول تلف و هر نقص یا عیبی خواهد بود اگرچه مستند به فعل او نباشد. »

قبل از مطالبه موجر در صورتی اجره المثل بر عهده مستاجر تحمیل می‌شود که استیفاء منفعت نموده باشد و بعد از مطالبه و عدم رد، اجره المثل تحمیل می‌گردد حتی اگر مستاجر استیفاء منفعت ننموده باشد (کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، عقود معین، ج ۱، ص ۲۴۰. ش ۳۱۷).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

سوم: تعیین زمان انجام تعهد

دین باید در موعد آن پرداخته شود(ماده ۳۹۴ ق. م.). موعد پرداخت دین به تراضی معین می شود و ممکن است روز خاص باشد یا مدتی که در آن دوران تعهد باید انجام گردد (کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، ص ۵۹). اگر در قرارداد، زمان انجام تعهد معلوم باشد، وفای به عهد باید در همان موعد مقرر انجام شود و اگر زمانی تعیین نشده باشد، اصل بر حال و فوری بودن انجام تعهد است و طلبکار می‌تواند هر زمان وفای به عهد را بخواهد. به عبارت دیگر زمان اجرای تعهد در وهله اول بر طبق توافق طرفین تعیین می شود اما اگر طرفین به آن تصریح نکرده باشند ولی عرفی در این خصوص وجود داشته باشد، تعهد باید در زمان مقرر عرفی ایفا شود. در غیر این موارد تعهد حال است و باید فورا اجرا شود (صفایی، حسین، حقوق مدنی، ج۲، ص۲۴۷).

این اصل از بند ۳ ماده ۴۹۰ ق. م. برمی‌آید که مقرر می دارد: «مستاجر باید مال الاجاره را در مواعدی که بین طرفین مقرر است تأدیه کند و در صورت عدم تعیین موعد نقداً باید بپردازد». ماده ۶۵۱ ق. م. نیز مقرر می‌دارد: «اگر برای ادای قرض به وجه ملزمی اجل معین شده باشد مقترض نمی‌تواند قبل از انقضاء مدت طلب خود را مطالبه کند که از مفهوم ماده برمی‌آید در صورت عدم تعیین اجل مقترض می‌تواند هر زمان طلب خود را مطالبه نماید. ماده ۲۴۲ ق. م. نیز قاعده حال بودن زمان انجام تعهد را چنین بیان داشته است: هر گاه برات بی وعده قبول شد باید فوراً پرداخته شود.

اما در مواردی طرفین توافق می‌نمایند که تعیین زمان انجام تعهد با متعهدله باشد در چنین وضعیتی تعیین سررسید تعهد به اختیار متعهدله است و وی معمولاً با مطالبه چنین سررسیدی را معین می‌نماید. قانون مدنی در ذیل ماده ۲۲۶ مقرر می‌دارد: اگر برای ایفا تعهد مدتی مقرر نبوده طرف وقتی می‌تواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام با او بوده و ثابت نماید که انجام تعهد را مطالبه کرده است. در این موارد متعهدله با مطالبه سررسید دین را مشخص می‌نماید و از آن زمان مدیون در حالت استنکاف و تاخیر قرار می گیرد.

همچنین در قانون تجارت نیز می‌توان به مواردی اشاره نمود که تعیین سررسید یک دین با مطالبه تعیین می‌شود مانند بروات به وعده از رویت. ماده ۲۴۳ ق. ت. مقرر می دارد: موعد پرداخت براتی که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رویت وعده دارد به وسیله تاریخ قبولی یا تاریخ اعتراض نامه نکول معین می‌شود و در ماده ۲۷۴ قانون مزبور حق و تکلیف دارنده را در خصوص مطالبه محدود به یکسال از تاریخ برات نموده و مقرر داشته است: نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رویت یا به وعده از رویت تادیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارجه دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نماید و الاحق رجوع به ظهرنویس ها و همچنین به برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

در این موارد اگر با مطالبه و ارائه برات توسط دارنده براتگیر برات را قبول نماید وعده برات از روز قبولی محاسبه و تعیین می‌شود و اگر براتگیر قبول ننماید دارنده با اعتراض نامه نکول وعده را معین می کند زیرا این اعتراض طبق ماده ۲۳۶ ق. ت. سندی رسمی است و منوط به انجام تشریفاتی است که اثر این سند که به صورت اخطارنامه تنظیم می‌شود (ماده ۲۹۳ ق. ت.) این است که نکول برات را محرز می‌نماید. بنابراین با مطالبه می‌توان زمان انجام تعهد را معین نمود.

چهارم: انتقال خطر از متعهدله به متعهد

یکی از مهمترین آثاری که برای مطالبه مطرح نموده‌اند، انتقال خطر یا ریسک است. یعنی مطالبه سبب می‌شود تا ضرر ناشی از تلف مال بر عهده طرف دیگر قرار گیرد و به عبارتی به ذمه طرف مقابل انتقال یابد **(Conrnnu (Gerard) op. cit. p. 271)**

آنچه در حقوق فرانسه تحت عنوان انتقال خطر مطرح شده است، ما در این جا با قواعد مربوط به تبدیل ید امانی به ضمانی مطرح می‌نماییم؛ با این که انتقال ریسک گسترده‌تر از تبدیل ید امانی به ضمانی است. در این جا تحلیل مسأله مستلزم شناخت ید ضمانی است که در قسمت بعدی مطرح خواهد شد.

اصل ید ضمانی

هر کس بر مال دیگری مستولی شود ضامن تلف و نقص آن است. مدرک قاعده حدیث نبوی است که بدین ترکیب شهرت یافته (علی الید ما اخذت حتی تودی) (کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد، ج ۱، ص ۱۵۵). در حقوق ایران اصل بر ید ضمانی است. به عبارتی اصل بر این است که هر شخصی که بر مال شخصی «استیلاء» داشته باشد، ضامن است و بدون نیاز به رابطه سببیت و بدون تقصیر، متعهد است تا در صورت موجود بودن، عین مال را و در صورت تلف، مثل یا قیمت آن را به همراه منافع مال به مالک مسترد دارد. مگر این که ید امانی باشد که در این فرض، امین ضامن نمی‌باشد. این حکم از ماده ۶۳۱ ق. م. بر می‌آید که امانت را منوط به ذکر در قانون کرده است.

ماده مزبور مقرر می‌دارد «هرگاه کسی مال غیر را به عنوانی غیر از مستودع متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امین قرار داده باشد مثل مستودع است بنابراین مستاجر نسبت به عین مستاجره قیم یا ولی نسبت به مال صغیر یا مولی علیه و امثال آنها ضامن نمی‌باشد مگر در صورت تفریط یا تعدی و در صورت استحقاق مالک به استرداد از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف، با امکان رد، متصرف مسئول تلف و هر نقص یا عیبی خواهد بود اگرچه مستند به فعل او نباشد. »

در تحقق این مسؤولیت علم و جهل متصرف نیز اثر ندارد. پس اگر کسی ملک دیگری را مال خود پندارد و در آن تصرف کند یا در اثر عقد فاسد بر مال دیگری مسلط شود، ضامن است و جهل او به منشأ مالکیت یا فساد بیع مسؤولیت را از بین نمی برد (طباطبایی یزدی، محمد کاظم، حاشیه بر مکاسب، ج ۱، ص ۷۳).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

در عقود امانی که مال شخصی به امانت در دست دیگری است، ید متصرف امانی است.
در صورت تلف شدن مال یا ورود خسارت به آن، متصرف ضامن نمی‌باشد. اما از دو راه متفاوت ممکن است ید امانی مبدل به ید ضمانی شود: اول، در صورت تعدی و تفریط. دوم؛ در صورت انقضا اجل یا استحقاق مالک و مطالبه و امکان رد و عدم رد مال در این صورت نیز ید امانی مبدل به ید ضمانی می‌شود. به عنوان مثال اگر محمد یک دستگاه اتومبیل سواری خود را از اول فروردین ماه سال ۱۳۹۴ تا اول مهر ماه ۱۳۹۴ به علی به مدت شش ماه اجاره دهد ید مستاجر در این شش ماه امانی است اما از دو راه فوق ممکن است مبدل به ید ضمانی گردد اول از راه تعدی و تفریط. مانند این که مستاجر مال را خلاف توافق و یا به صورت غیر متعارف استفاده کند. این طریقه ممکن است در طول زمان عقد یا پس از آن رخ دهد. به عنوان مثال اگر یک ماه بعد از عقد یعنی در اردیبهشت ماه مستاجر تعدی و تفریطی انجام دهد مانند این که مقداری سیمان با آن جا به جا کند ید مستاجر ضمانی شده و از آن لحظه به بعد ید وی ضمانی است. در نتیجه اگر با جابجا کردن سیمان هم خسارتی وارد نشده باشد ولی دو ماه بعد در تیر ماه به واسطه حادثه‌ای مانند زلزله اتومبیل تلف شود مستاجر ضامن است زیرا از قبل ید وی ضمانی شده و در مسئولیت ناشی از ید ضمانی تقصیر یا سببیت شرط نیست. این طریق تبدیل ید امانی به ضمانی ممکن است پس از انقضاء زمان رخ دهد. چنانچه اگر مالک استرداد مال را مطالبه نکند و شش ماه زمان عقد منقضی گردد طبق ماده ۴۹۴ ق م عقد اجاره بر طرف می‌گردد اما ید امانی مستاجر تا زمانی که مالک مال را مطالبه نکرده است امانی باقی خواهد ماند. مستفاد از ماده ۶۳۱ ق. م. در این صورت اگر حمل مقداری سیمان یا اتومبیل دو ماه پس از انقضا یعنی در آذر ماه رخ دهد ید مستاجر ضمانی شده و اگر سیل یا زلزله اتومبیل را در تاریخ دی ماه نیز تلف کند مستاجر ضامن است. ید مستاجر از راه دیگری نیز ممکن است تبدیل به ید ضمانی شود و آن از راه مطالبه است. در این موارد اگر با انقضا اجل مالک مال خود را مطالبه کند و امکان رد آن وجود داشته باشد ولی متعهد یعنی امین مال را به مالک رد نکند ید امانی وی مبدل به ید ضمانی خواهد شد و از آن تاریخ به بعد مسئول هر کسر و نقصان یا تلفی است که رخ دهد هر چند مستند به فعل وی نباشد. تحلیل فوق از مواد ۶۱۴ و ۶۳۱ ق. م. به خوبی قابل استنباط است. ماده ۶۱۴ ق. م. مقرر می‌دارد: امین ضامن مالی که به او سپرده شده است نمی‌باشد مگر در صورت تعدی و تفریط. ماده ۶۳۱ ق. م. این حکم را به سایر امانات سرایت داده و مقرر داشته: هر گاه کسی مال غیر را بعنوانی غیر از مستودع متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امین قرار داده باشد مثل مستودع است بنابراین مستاجر نسبت به عین مستاجره قیم یا ولی نسبت به مال صغیر یا مولی علیه و امثال آنها ضامن نمی‌باشد مگر در صورت تفریط یا تعدی و در صورت استحقاق مالک به استرداد از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف با امکان رد متصرف مسئول تلف و هر نقص یا عیبی خواهد بود اگرچه مستند به فعل او نباشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

پنجم: اثر مطالبه در انتقال خطر

در این جا اثر مطالبه از نظر انتقال ریسک را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در مواردی که عقد امانی مانند عقد اجاره، لازم بوده و دارای مهلتی باشد که منقضی گردیده است، پس از انقضاء مدت و مطالبه مالک و امتناع مستاجر از رد عین، با امکان رد مال، ید امانی مستاجر تبدیل به ید غاصبانه (شیخی‌زاده، عبدالرحمن بن محمد بن سلیمان الکیبولی، مجمع الانهر فی شرح ملتقی الابحر، ج ۳، چ ۱، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ه. ق. ۱۹۹۸ م ص. ۴۰۷) و ضمانی شده و مستأجر ضامن است. (ماده ۴۹۴ ق. م.) اگر هم عقود مزبور جایز بوده و مالک هر زمان بتواند رد عین خویش را مطالبه نماید عقد ودیعه، از تاریخ مطالبه و عدم استرداد با امکان رد مال، ید امانی متصف به ید ضمانی تبدیل شده و وی مسئول هر خسارتی خواهدبود، اگرچه مستند به وی نباشد.

ماده ۶۱۶ ق. م. مقرر می‌دارد «هرگاه رد مال ودیعه مطالبه شود و امین از رد آن امتناع کند از تاریخ امتناع احکام امین به او مترتب نشده و ضامن تلف و هر نقص و عیبی است که در مال ودیعه حادث شود اگر چه آن عیب یا نقص مستند به فعل او نباشد». این قاعده به صورت کلی در ذیل ماده ۶۳۱ ق. م. مطرح گردیده و مقرر شده است: «در صورت استحقاق مالک به استرداد از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف با امکان رد، متصرف، مسئول تلف و هر نقص و عیبی خواهد بود اگر چه مستند به فعل او نباشد».

در این موارد با توجه به مواد ۳۰۸ و ۳۱۰ ق. م. متصرف در حکم غاصب است و تردیدی نیست که غاصب دارای ضمانی گسترده است. یعنی بدون اینکه نیازی به تقصیر و رابطه سببیت بین تقصیر و ضرر باشد، غاصب ضامن است.

ماده ۳۱۵ ق. م. مقرر می‌دارد: «غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغصوب وارد شده باشد هر چند مستند به فعل او نباشد». بنابراین در این موارد مسئولیت متصرف نسبت به مال ناشی از ید غاصبانه است. در نتیجه در مواردی که ید امانی وجود دارد با توجه به ید امانی متصرف در صورت تلف مال موضوع امانت ریسک تلف از دارایی مالک است اما زمانی که مالک استرداد مال را مطالبه کند و متصرف با امکان رد از رد مال امتناع کند ید وی ضمانی شده و ریسک تلف به متصرف منتقل می‌گردد. بنابراین در عقودی که ید متصرف امانی است و تعهد متعهد رد مال امانتی به مالک آن است خطر تلف عین و خسارات وارده بر آن بر مالک مال می‌باشدو متعهد مال را در هر وضعیتی تسلیم کند بری الذمه است مشروط به اینکه مرتکب تقصیر نشده باشد. اما اگر امین مرتکب تعدی و تفریط نشده باشد و با وجود این مالک با توجه به جواز عقد یا انقضا مدت عقد محق به استرداد باشد و مالک از متعهد استرداد عین را مطالبه نماید ولی متعهد با این که رد مال ممکن است از رد مال امتناع نماید خطر تلف آن از مالک به متعهد منتقل می‌شود و منظور از انتقال خطر به عنوان اثر مطالبه همین می‌باشد. ماده ۲۷۸ ق. م. مقرر می‌دارد: اگر موضوع تعهد عین معینی باشد تسلیم آن به صاحبش در وضعیتی که حین تسلیم دارد موجب برائت متعهد می‌شود اگرچه کسر و نقصان داشته باشد مشروط به این که کسر و نقصان از تعدی یا تفریط

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

متعهد ناشی نشده باشد مگر در مواردی که در این قانون تصریح شده است ولی اگر متعهد با انقضا اجل و مطالبه تاخیر در تسلیم نموده باشد مسئول هر کسر و نقصان خواهد بود اگرچه کسر و نقصان مربوط به تقصیر شخص متعهد نباشد. به عنوان مثال در عقد اجاره قبل از مطالبه تلف مال بر عهده مالک مال و پس از مطالبه و عدم استرداد با امکان رد بر عهده مستاجر می‌باشد (جیعی العاملی، زین الدین، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه ج ۱ ص ۳۸۵). همچنانکه مستاجر دارای مسئولیت قراردادی ناشی از تاخیر در رد عین نیز خواهد بود.

وضعیت فوق در حقوق فرانسه با توجه به ماده ۱۲۴۵ ق. م. ف[1]و در حقوق مصر با لحاظ بند ۱ ماده ۲۰۷ ق. م. مص نیز جاری است. متنها در حقوق فرانسه با توجه به ماده ۱۳۰۲ ق. م. ف[2]و در حقوق مصر با توجه به بند ۲ ماده ۲۰۷ ق. م. مص در یک مورد مطالبه دارای اثر انتقال خطر نیست و آن در فرضی است که متعهد ثابت کند حتی اگر مال را به مالک رد می‌نمود در ید وی تلف می‌شد.

به عبارتی در این مورد هر چند مطالبه به عمل آمده و متعهد در حالت تأخیر و استنکاف قرار گرفته است، با وجود این، ضامن تلف مال نیست مگر اینکه متعهد قبول نموده باشد که مسئول خسارت ناشی از فورس ماژور یا حوادث خارجی نیز باشد که در این صورت مسئولیت خواهد داشت (سنهوری، دکتر عبدالرزاق احمد، الوسیط، ج ۲، ص ۷۸۳، ش. ۴۲۹).

تحلیلی که در فوق ارائه شد در مواردی است که ید متصرف از ابتدا ضمانی نبوده باشد، بلکه ید وی اول امانی بوده و سپس با مطالبه و امتناع از رد با امکان رد، ید وی تبدیل به ضمانی شده است و همین مطالبه هم هست که ید وی را در صورت امکان رد، ضمانی می‌کند و خطر تلف را به متصرف منتقل می‌نماید.

در مواردی که غصب و ضمان ید محقق بوده و ید از ابتدا ضماوی است، بدون اینکه نیازی به مطالبه باشد، متصرف ضامن است. (ماده ۳۱۵ ق. م.) به همین جهت بند ۳ ماده ۲۰۷ ق. م. مص مقرر داشته است که مسئولیت سرقت شی در هر حال با سارق است.

خواه مطالبه صورت گرفته و خواه مطالبه به عمل نیامده باشد، سارق مسئول است (منبع قبل، ص ۷۸۸ ش ۴۳۲).

ششم: امکان جمع مسئولیت مدنی قراردادی و مسئولیت ناشی از ید ضمانی

اکنون جای طرح این سوال است که به غیر از مسئولیت ناشی از ید ضمانی که بر اثر مطالبه پدید می‌آید، آیا می‌توان به علت نقض عهد نیز مسئولیت مدنی قراردادی را به عنوان مبنای دعوی برگزید؟

---

1. Art 1245
Cree par Loi 1804 -02-07 promulguen le 17 fevrier 1804 Le debiteur dun corps certain et determin 6 estlibere par la remise de la chose en felatouelle se trouvelors de la livraisonpourvuque les deteriorations qui y sontsurvenues ne viennent point de son fait ou de safauteni de celle des personnes don't ilest responsible ouquavantces deteriorations il ne fut pas en demeure.
2. Art. 1302

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

مدعی باید مبنای دعوی را به روشنی معین سازد و به طور معمول نمی‌تواند درباره ی جهات و مبانی مورد استناد تبعیض کند و به دلخواه خویش، قواعد این دو مسئولیت را با هم در آمیزد؛ ولی انطباق نقض عهد با یکی از مواد ضمان قهری مانع از این نیست که بر مبنای مسئولیت قراردادی اقامه ی دعوی شود.

استناد به مسئولیت قراردادی به طور معمول وضع زیان دیده را بهبود می بخشد و او را از اثبات تقصیر خوانده معاف می سازد. ولی، گاه نیز مصلحت خواهان در این است که از موقعیت قراردادی خود بگذرد و خوانده را به عنوان مسئولیت قهری، یعنی خسارتی که از اتلاف و تسبیب به او رسیده است، به دادرسی فرا بخواند (کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، الزام های خارج از قرارداد، ج ۱، ص ۱۱۷).

پلنیول، استاد فرانسوی، در پاره ای از یادداشت های خود ادعا می‌کند که قواعد مندرج در مواد ۱۳۸۲ به بعد قانون مدنی فرانسه مربوط به نظم عمومی است و هر زیان دیده ای، به عنوان شخص عادی، حق دارد به آن استناد کند. پس، اگر ضمن تخلف از قرارداد تقصیری رخ دهد، زیان دیده ای که از نظر مسئولیت قراردادی نتوانسته است به حق خود برسد، می‌تواند به استناد قواعد تسبیب زیان خویش را جبران سازد. دیگران نیز در تأیید این نظریه گفته اند، این دو نهاد حقوقی در عرض هم نیستند و مسئولیت قهری، از این لحاظ که به قانون و نظم عمومی ارتباط دارد، برتر از قواعد مربوط به مسئولیت قراردادی است. هیچ کس را نمی‌توان به این بهانه که طرف قرارداد بوده است، از حمایتی که قانون از او کرده است محروم و به تحمل خسارت ناگزیر ساخت (ساواتیه، رساله ی مسئولیت مدنی، ج ۱، ش ۱۴۸).

ساواتیه، استاد فرانسوی، اعتقاد دارد که قرارداد در هر حال می‌تواند استناد زیان دیده به مسئولیت قهری را منع کند، زیرا هر قرارداد می‌تواند به گونه ای تنظیم شود که حاوی هر گونه ادعای ضمان قهری باشد و برای آن راه حل پیش بینی کند. او بر همین مبنا بین تکلیف عمومی مربوط به ضرر نزدن به دیگری و تکالیف ویژه ای که به موجب قانون یا اخلاق به وجود می‌آید تفاوت گذارده است. تکلیف نخست، ضمن تعهدهای قراردادی نیز مورد نظر است و با آن‌ها آمیخته شده و به همین جهت نیز نمی‌تواند جداگانه مورد استناد قرار گیرد.

ساواتیه، برای امکان جمع بین مسئولیت قراردادی و قهری دو شرط را لازم می داند: ۱) تجاوز از تکلیفی خارج از تکالیف قراردادی؛ ۲) ایجاد ضرری غیر از محروم شدن از منافع ویژه ی عقد (منبع قبل، ش ۱۵۳). این تبعیض مبنای استواری ندارد، زیرا معلوم نیست بین تکلیف مربوط به ضرر نزدن به دیگری و تکلیف مربوط به دروغ نگفتن چه تفاوتی وجود دارد و چگونه می‌توان ادعا کرد که یکی به صورت ضمنی در هر عقد ملحوظ است و دیگری در توافق هیچ سهمی ندارد؟ وانگهی، نظامی که او پیشنهاد می‌کند چندان پیچیده و قابل انعطاف است که به دشواری می‌توان راه حل عملی و روشنی از آن بیرون کشید و به همین جهت نیز در اندیشه های حقوقی نفوذ قابل ملاحظه ای نکرده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

هفتم: تأثیر مطالبه در مسئولیت همراه با فورس ماژور

هنگامی که متعهد در انجام تعهد تأخیر می‌کند یا تعهد را انجام نمی دهد و سبب عهد شکنی می شود، ظبق قوانین مسئولیت مدنی باید از عهده ی خسارات وارده بر متعهد له بر آید مگر اینکه ثابت نماید که این عهد شکنی به علت حادثه ی خارجی بوده است و منسوب به عمل وی نبوده است. مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی که برگرفته از مواد ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه هستند به صراحت این مطلب را بیان می‌کنند.

در ماده ۲۲۷ قانون مدنی آمده است: «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه ی علت خارجی بوده است که نمی‌توان به او مربوط باشد».

همچنین ماده ی ۲۲۹ مقرر می‌کند: «اگر متعهد به واسطه ی حادثه که دفع آن خارج از حیطه ی اقتدار اوست نتواند از عهده ی تعهد خود برآید محکوم به تأدیه ی خسارت نخواهد بود».

این دووضعیت معمول و روال عادی انجام تعهد را بیان می‌کند که در آن متعهد باید تعهدی را انجام دهد ولی به علت قوه ی قاهره قادر به انجام تعهد نمی گردد و همین قوه ی قاهره سبب می‌شود که متعهد از پرداخت خسارت معاف شود. اما زمانی که متعهد له انجام تعهد رااز متعهد مطالبه می‌کند و او را در حالت تأخیر و استنکاف از انجام تعهد قرار میدهد هیچ علت خارجی نمی‌تواند متعهد را از پرداخت خسارت معاف کند و به وسیله ی ثابت نمودن سبب خارجی دخیل در عهد شکنی توسط متعهد پس از مطالبه ی متعهد له با توجه به اصل استصحابمی‌توان گفت: اصل استصحاب مقتضی بقای مسئولیت مدیون به جبران خسارت است (قره چاهی، صدیقه، ماهیت، آثار و احکام مطالبه در حقوق تعهدات ایران با مطالعه ی تطبیقی در حقوق فرانسه، ص ۴۱).

این اثر برای مطالبه در ماده ی ۱۳۰۲ قانون مدنی فرانسه بیان شده است: «هرگاه مال معینی که موضوع عقد بوده، تلف یا مفقود یا از جریان معاملات تجاری خارج شود، در صورتی که تلف یا مفقود شدن بدون تقصیر متعهد و قبل از تحقق تأخیر و تخلف او رخ دهد تعهد ساقط می‌شود. » این حکم در حقوق ایران نیز قابل اجرا است (یزدانیان، علیرضا، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، ج ۱، ص ۳۳۷). زیرا در صورت احراز عهد شکنی متعهد و قرار گرفتن او در حالت تأخیر و استنکاف با مطالبه ی متعهد له، از بین رفتن موضوع تعهد توسط علت خارجی پس از این مطالبه ناشی از عهد شکنی متعهد است و نمی‌تواند منسوب به فورس ماژور باشد و با توجه به اصل استصحاب اصل بقای مسئولیت ایجاد شده توسط مطالبه ی متعهد له قبل از بین رفتن موضوع است.

نتیجه‌گیری

قراردادها برای اشخاص تکالیفی را به وجود می‌آورند و در صورتی که متعهد به وظیفه ی خود عمل نکند، متعهد له برای احراز عهد شکنی متعهد احتیاج دارد که مطالبه کند. مطالبه یک اصطلاح حقوقی است که

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

خاستگاه اولیه ی آن حقوق دوم بوده و از آن جا وارد حقوق فرانسه می‌شود و از فرانسه به حقوق سایر کشورها راه پیدا کرده است.

مطالبه نهادی است حقوقی که به وسیله ی آن عهدشکنی و تقصیر متعهد در استنکاف از ایفای تکالیفش آشکار می‌شود و در لغت به این معنا است که متعهد در وضعیتی به نام امتناع از انجام وظیفه یا تأخیر در آن و یا استنکاف از ایفای آن قرار می گیرد.

مطالبه اگر چه ناشی از اراده ی متعهد له است و در حقوق فرانسه انجامش به صورت فضولی درست است اما در حقوق ما آن را نمی‌توان جزء اعمال حقوقی دانست بلکه مطالبه از اعمال مادی است.

مطالبه از قوانین تکمیلی است و در مواردی قابل حذف است مانند حذف مطالبه به حکم قانون و حذف آن به دلیل توافق. هم چنین مطالبه مثل بقیه ی نهادهای حقوقی آثاری دارد مثل تحقق مسئولیت قراردادی و اجرت المثل، تعیین زمان انجام تعهد و انتقال خطر.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی:

ـ صفایی، حسین. (۱۳۸۹). حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها. تهران: نشر میزان.

ـ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۵۳). حقوق مدنی، عقود معین. تهران: شرکت انتشار.

ـ کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی، الزام های خارج از قرارداد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ـ قره چاهی، صدیقه. (۱۳۹۰). ماهیت، آثار و احکام مطالبه در حقوق تعهدات ایران با مطالعه‌ی تطبیقی در حقوق فرانسه. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. دانشگاه اصفهان.

ـ یزدانیان، علیرضا. (۱۳۸۶). قواعد عمومی مسئولیت مدنی. تهران: نشر میزان.

منابع عربی:

ـ الجبعی العاملی، زین الدین. (۱۳۷۲). الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه. مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی.

ـ سنهوری، عبدالرزاق احمد. (۲۰۰۹). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید. بیروت: منشوراتالجلبی الحقوقیه.

ـ شیخی زاده، عبدالرحمان بن محمد بن سلیمان الکیبولی. (۱۴۱۹). مجتمع الانهر فی شرح ملتقی الابحر. دارالکتب العملیه.

ـ طباطبایی یزدی، محمد کاظم. (۱۳۷۵). حاشیه بر مکاسب. چاپ قم.

منابع خارجی:

__ Cornnu, Gerard. (2000). Vocabulairejuridique. Presses universitairesde France.

__ Chitty. (1983). Contracts. General principles. London.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-18]